

پرسشنامه دل‌بستگی مکان

مقدمه

انسان‌ها در سرتاسر تاریخ و در میان تمدن‌ها، پیوندهای معناداری را با مکان برقرار کرده‌اند. این دل‌بستگی می‌تواند زمینه‌ساز انتخاب مکان‌هایی برای سکنی گزیدن، ساخت بناهای تاریخی عظیم یا حتی به خاک سپردن خویشاوندان باشد. افراد پیوندهای عاطفی با مکان‌ها را از طریق گسترش روابط با موقعیت‌های خاص و در طول زمان ایجاد می‌کنند (اسکنل، ۲۰۰۸).

مکان‌ها متشکل از سه مؤلفه وسیع و وابسته به یکدیگرند که به آنها معنا می‌بخشند. این سه مؤلفه عبارت‌اند از: موقعیت فیزیکی، فرایندها و ویژگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی درون فرد و فعالیت‌های انجام شده در آن مکان. در تجربه افراد از یک مکان، اشکال فیزیکی، فعالیت‌ها و معنا با یکدیگر ترکیب می‌شوند تا حس مکان را شکل دهند. مکان‌ها نقش مهمی در رشد و حفظ هویت فردی و گروهی دارند (شمس‌الدین و یوجانگ، ۲۰۰۸).

دل‌بستگی‌ها می‌توانند بین افراد و ساختمان‌ها، خانه‌ها، اشیاء، چشم‌اندازها، شهرها و... شکل گیرند (کرسول، ۲۰۰۴). پیوند با مکان می‌تواند بسیار عمیق و قوی باشد؛ مثلاً، امتناع ورزیدن افراد از ترک خانه‌های خود به هنگام رخداد بلایای طبیعی یا غم و اندوه ناشی از دست دادن مکان شخصی. مکان‌های مهم ممکن است هویت‌ها را به قسمی شکل دهند که درک خویشتن بدون ویژگی‌های فیزیکی یک موقعیت یا چشم‌انداز امکان‌پذیر نباشد (اسکنل، ۲۰۰۸).

دل‌بستگی مکان^۱ متشکل از دو واژه «دل‌بستگی» و «مکان» است که واژه دل‌بستگی بر عاطفه و واژه مکان بر موقعیت محیطی تأکید می‌کند که افراد به آن دل‌بستگی عاطفی پیدا می‌کنند (لو و آلتمن، ۱۹۹۲). مکان واژه‌ای است که در محاوره روزمره از آن برای اشاره به مفاهیم گوناگونی نظیر موقعیت، مقصد، مالکیت، خلوت و متعلقات استفاده می‌کنیم (کرسول، ۲۰۰۴). اصطلاح مکان در زبان انگلیسی آن‌قدر متعارف است که تبدیل آن به مؤلفه‌های درهم‌تنیده‌اش جداً کار سختی است. آشنا بودن مفهوم مکان، آن را به سازه جذابی مبدل ساخته است؛ هرچند، این آشنایی سبب ایجاد مانعی بر سر راه تفکر درباره آن، ورای توصیف ویژگی‌های متعارف می‌شود (بروکاتو، ۲۰۰۶).

فرهنگ لغت وبستر (۲۰۰۲) بیش از ۱۷ تعریف را درباره مکان ارائه می‌دهد که از جمله آن نسبت فضا، مجموعه ساختمان، یک موقعیت خاص و... می‌باشد. همان‌طور که توان (۱۹۷۹)، جغرافی‌دان

1- Place attachment

انسانی، تعریف می‌کند، «مکان عبارت است از مرکز معنا یا کانون توجه که بر هیجانات و روابط انسان در یک فضای معین تأکید می‌کند». تأکید بر معنا سبب تمایز مکان از مفهوم دوپهلوی «فضا» می‌شود (کرسول، ۲۰۰۴).

بازنگری در نظریه دل‌بستگی به‌عنوان مبنایی برای کشف مفهوم دل‌بستگی مکان عمل می‌کند. بر اساس پژوهش‌های جان بالبی (۱۹۷۹، ۱۹۸۰)، نظریه دل‌بستگی اولین بار در حوزه روابط والد-کودک مورد بررسی قرار گرفت. در این نظریه، دل‌بستگی تحت عنوان «برقراری پیوند خاص با هدف مملو از هیجان» تعریف می‌شود که این هدف می‌تواند یک فرد یا یک شیء باشد. این پیوندها از بسیار قوی تا بسیار ضعیف در نوسان هستند. بالبی دل‌بستگی را نیاز اساسی انسان به ایمنی و بقا می‌داند (بالبی، ۱۹۷۹). مفهوم دل‌بستگی مکان معادل مفاهیم زیادی از جمله مکان دوستی (توان، ۱۹۷۴)، هویت مکان (پروشانسکی، فابین و کامینوف، ۱۹۸۳)، جاگیری محیطی^۱ (هومان، ۱۹۹۲)، ریشه‌داری^۲ (چاولا، ۱۹۹۲؛ توان، ۱۹۸۰) و حس مکان (رلف، ۱۹۷۶) در نظر گرفته می‌شود. دل‌بستگی مکان بر شیوه شکل‌گیری تصورات شخصی از مکان دلالت می‌کند (گیفورد، ۲۰۰۲، ص. ۲۷۳). دل‌بستگی مکان فرآیندی است که از طریق آن انسان‌ها پیوند خود با مکان‌ها را شکل می‌دهند. برخی، دل‌بستگی مکان را تحت عنوان پیوند عاطفی افراد با مکان‌ها توصیف می‌کنند (هیدالگو و هرناندز، ۲۰۰۱).

مطالعه دل‌بستگی مکان به‌عنوان سازه اصلی مورد مطالعه پژوهشگران رشته‌های گوناگون به آرامی گسترش پیدا کرده است. دل‌بستگی مکان در ابتدا در یک الگوی پدیدار شناختی مورد مطالعه قرار گرفت که تمرکز آن بر تجارب ذهنی افراد در محیط‌های خاص بود. غلبه فلسفه مثبت‌نگر و فقدان دقت آزمایشی سبب کندی پیشرفت در پژوهش دل‌بستگی مکان گردید. بیشتر مطالعات مبتنی بر تجارب منحصربه‌فرد و ذهنی بودند و تعاریف مفهومی همگرا از دل‌بستگی مکان ارائه نمی‌دادند (لو و آلتمن، ۱۹۹۲).

پیش از دهه ۱۹۷۰، مطالعات انجام شده در فرهنگ‌های غربی بر جابجایی و سازگاری با محیط‌های جدید تمرکز می‌کردند و چگونگی و چرایی دل‌بستگی افراد با محیط‌های فعلی خود را نادیده می‌گرفتند (بروکاتو، ۲۰۰۶). مطالعات اولیه درباره محیط-رفتار که تحت تأثیر رویکردهای روان‌شناختی قرار داشتند و بر دانش، باور و شناخت درباره جنبه‌های محیط تمرکز می‌کردند از دل‌بستگی‌های عاطفی به محیط فیزیکی غفلت کردند. سرانجام، پژوهش‌های انجام شده توسط روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان آرام‌آرام سبب مطرح شدن مفاهیمی نظیر فضای شخصی، ازدحام، حفظ قلمرو، استفاده از فضا و مکان‌ها و اقامتگاه‌های موقفی گردید. درحالی‌که این بررسی‌ها سبب علاقه‌مندی پژوهشگران به مکان‌های دارای بار عاطفی شد، مطالعه موضوعات اجتماعی نظیر بی‌خانمانی، جرم و جابجایی سبب بارز شدن موضوع عاطفه انسان نسبت به مکان‌ها در کارهای پژوهشگران گردید (لو و آلتمن، ۱۹۹۲).

1- Environmental embeddedness
2- Rootedness

بررسی‌های اخیر درباره ماهیت دلبستگی مکان، چندبُعدی بودن این سازه را آشکار ساخته‌اند. نتایج مطالعات تجربی نشان‌دهنده ابعاد دلبستگی عاطفی (جورجنسن و استدمن، ۲۰۰۱؛ کیل، موون و تارانت، ۲۰۰۴؛ کیل، گراف و مانینگ، ۲۰۰۵؛ گاسلینگ و ویلیامز، ۲۰۱۰)، هویت مکان (پروشانسکی، فابین و کامینوف، ۱۹۸۳؛ کیل، گراف و مانینگ، ۲۰۰۵؛ هرناوندز، هیدالگو، سالازار-لاپلیس و هس، ۲۰۰۷؛ ریموند، براون و وبر، ۲۰۱۰)، وابستگی مکان (جورجنسن و استدمن، ۲۰۰۱؛ کیل، گراف، مانینگ و بیکن، ۲۰۰۴) و پیوندهای اجتماعی (میلیگا، ۱۹۹۸؛ جورجنسن و استدمن، ۲۰۰۱؛ هیدالگو و هرناوندز، ۲۰۰۲؛ کیل، موون و تارانت، ۲۰۰۴؛ کیل، گراف و مانینگ، ۲۰۰۵؛ لویکا، ۲۰۰۹) بوده‌اند.

روش تهیه

پرسشنامه دلبستگی مکان توسط صفاری‌نیا (۱۳۹۰) و بر اساس نظریه لو و آلتمن (۱۹۹۲) و مطالعات تجربی جورجنسن و استدمن (۲۰۰۱) و کیل، موون و تارانت (۲۰۰۴) که دیدگاه نگرشی نسبت به دلبستگی مکان دارند، طراحی شده است. پرسشنامه مذکور پس از ساخته شدن، از نظر مفهومی و دقت به‌کارگیری کلمات معادل و جمله‌بندی مناسب توسط چند تن از متخصصان روان‌شناسی مورد مقایسه و بازبینی قرار گرفته است. برای رفع نواقص و ابهامات مفهومی و رسیدن به ترکیب‌بندی سلیس و کم‌نقص‌تر، پرسشنامه توسط گروهی از دانشجویان تکمیل و از آنان خواسته شده تا نظرات خود و کلمات و نکات مبهمی را که احتمالاً مخاطب را دچار اشتباه می‌کند علامت‌گذاری کرده و توضیح دهند. این پرسشنامه بر روی ۱۰۳۱ زن و مرد شهر تهران (۷۶۲ زن و ۲۶۹ مرد) اجرا شده است.

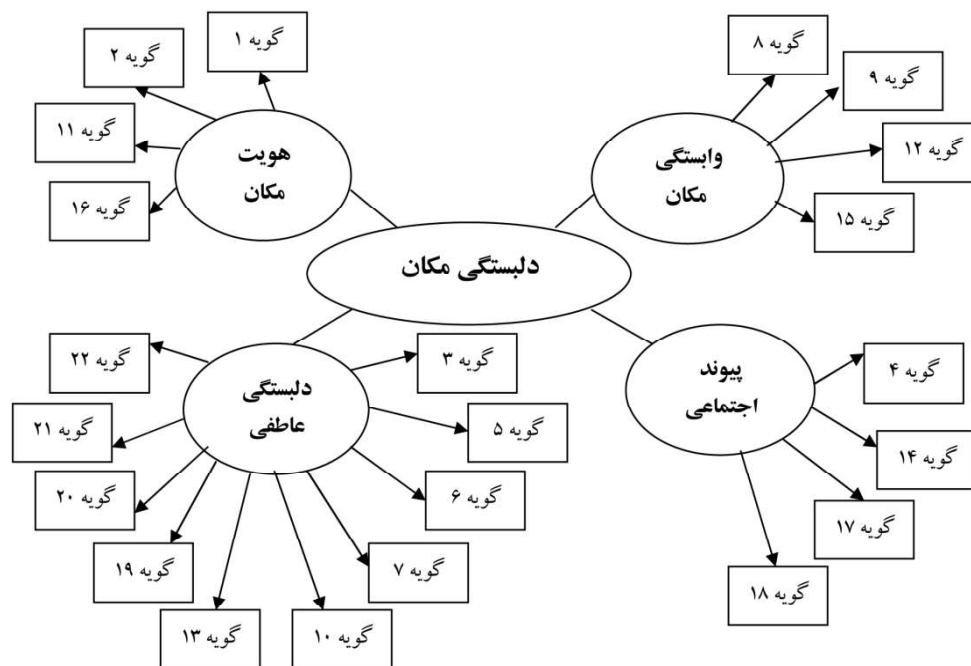
نمره‌گذاری

این پرسشنامه که از نوع مداد-کاغذی و خودگزارش‌دهی است، مشتمل بر ۲۲ گویه می‌باشد که سه حیطه شناختی (هویت مکان)، عاطفی (دلبستگی عاطفی) و رفتاری (وابستگی مکان و پیوندهای اجتماعی) دلبستگی مکان را می‌سنجند، به این ترتیب که گویه‌های ۱، ۲، ۱۱، ۱۶ بُعد «هویت مکان»، گویه‌های ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ بُعد «دلبستگی عاطفی»، گویه‌های ۸، ۹، ۱۲، ۱۵ بُعد «وابستگی مکان» و گویه‌های ۴، ۱۴، ۱۷، ۱۸ بُعد «پیوند اجتماعی» را اندازه‌گیری می‌کنند. نمره‌گذاری گویه‌ها روی مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای «کاملاً موافق = ۵»، «موافق = ۴»، «نظری ندارم = ۳»، «مخالف = ۲» و «کاملاً مخالف = ۱» انجام می‌شود. بنابراین، حداقل و حداکثر نمره‌ای که به دست می‌آید به ترتیب برابر با ۲۲ و ۱۱۰ خواهد بود.

پایایی و روایی

در پژوهش صفاری‌نیا (۱۳۹۰) پایایی پرسشنامه با استفاده از روش باز آزمایی برابر با ۰/۹۲ و با استفاده از روش آلفای کرون‌باخ، ۰/۹۲ به دست آمد که میزان رضایت‌بخشی است. همچنین، جهت تعیین روایی سازه پرسشنامه از روش‌های تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی استفاده شد که نتایج تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از شاخص‌هایی نظیر $\chi^2/df=2/71$ ، $RMSEA=0/04$ ، $GFI=0/99$ ، $AGFI=0/99$ ، $CFI=0/99$ و $IFI=0/99$ و $RMR=0/03$ نشان‌دهنده برازش خوب مدل در تعیین عامل‌ها به شکل اولیه بیان شده بر اساس نظریه لو و آلتمن (۱۹۹۲) و مطالعات تجربی جورجسن و استدمن (۲۰۰۱) و کیل، موون و تارانت (۲۰۰۴) بود. همچنین، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PC) از طریق چرخش واریماکس مؤید وجود چهار عامل دارای ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک تحت عنوان «هویت مکان»، «دلبستگی عاطفی»، «وابستگی مکان» و «پیوندهای اجتماعی» بوده است.

ساختار عاملی



نمونه پرسشنامه

پاسخ‌دهنده گرامی

پرسشنامه‌ای که پیش رو دارید به منظور بررسی دلبستگی شما به محل زندگی طراحی شده است. خواهشمند است با ارائه پاسخ‌های صحیح و کامل ما را در انجام این پژوهش یاری نمایید. از لطف و عنایت شما سپاسگزاریم.

ردیف	عبارت	کاملاً موافق	موافق	ظرفی ندارم	مخالف	کاملاً مخالف
۱	وقتی به محله زندگی خود وارد می‌شوم، احساس خوبی دارم.					
۲	با زندگی کردن در این محل احساس می‌کنم هویت دارم و کسی هستم.					
۳	بعد از ورود به محل زندگی‌ام احساس امنیت می‌کنم.					
۴	از تعامل و آشنایی با همسایگان، کسبه و آشنایان محلم احساس تشخص می‌کنم.					
۵	سعی می‌کنم برای رفتن به مسجد، پارک و سینما از مراکز محل خودم استفاده کنم.					
۶	به علت خو گرفتن، تمایلی به نقل مکان کردن از این محل ندارم.					
۷	احساس می‌کنم محل زندگی‌ام بخشی از وجود من شده است.					
۸	از دوستی و رابطه با همسایگان محلم لذت می‌برم.					
۹	سعی می‌کنم برای آموزش از مدارس و کلاس‌های آموزشی محل خودم استفاده کنم.					
۱۰	این محل برایم اهمیت دارد و به من ارزش می‌دهد.					
۱۱	در مقایسه با مکان‌های دیگر وقتی در این محل هستم، احساس آرامش می‌کنم.					
۱۲	ترجیح می‌دهم مایحتاج ضروری را از فروشگاه‌های محل سکونتم خریداری کنم.					
۱۳	از زندگی و گذراندن اوقات فراغت در محل خودم احساس خوشحالی می‌کنم.					
۱۴	زندگی در این محل باعث یادآوری خاطرات گذشته در من می‌شود.					
۱۵	با ساکنین محله سلام و علیک و احوال‌پرسی می‌کنم.					
۱۶	از آسیب رسیدن و تخریب محل زندگی‌ام احساس آشفتگی می‌کنم.					
۱۷	با زندگی کردن در این محل احساس می‌کنم اشتراکات زیادی با سایرین دارم.					
۱۸	در این محل آشنایانی دارم که ارتباط و تعامل با آنها باعث اعتماد به نفسم می‌شود.					
۱۹	محل زندگی‌ام را در مقایسه با سایر نواحی شهر، بیشتر دوست دارم.					
۲۰	به دیگران می‌گویم که در این محل زندگی می‌کنم و از آن نیز مفتخرم.					
۲۱	اگر به مکان ناآشنایی نقل مکان کنم، احساس آشفتگی می‌کنم.					

ردیف	عبارت	کاملاً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف
۲۲	به محله‌ای که در آن زندگی می‌کنم وابسته‌ام.					

منابع

صفاری‌نیا، مجید. (۱۳۹۰). ساخت و اعتبار یابی مقیاس دلبستگی مکان. طرح پژوهشی دانشگاه پیام نور تهران.

- Bowlby, J. (1979). The making and breaking of affectional bonds. London: Tavistock.
- Brocato, E. (2006). Place attachment: An investigation of environmental and outcomes in a service context. Doctoral Thesis, University of Texas.
- Chawla, L. (1992). *Childhood place attachments*. New York: Plenum Press.
- Cresswell, T. (2004). *Place: A short introduction*. Malden, MA: Blackwell Publishing.
- Gifford, R. (2002). Environmental psychology: Principles and practice. Canada: Optimal Books.
- Gosling, E., & Williams, K. (2010). Connectedness to nature, place attachment and conservation behavior: Testing connectedness theory among farmers. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 298-304.
- Hernandez, B., Hidalgo, M.C., Salazar-Laplace, M.E., & Hess, S. (2007). Place attachment and place identity in natives and non-natives. *Journal of Environmental Psychology*, 27, 310-319.
- Hidalgo, M.C., & Hernandez, B. (2001). Place attachment: Conceptual and empirical questions. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 273-281.
- Hidalgo, M.C., & Hernandez, B. (2002). Attachment to the physical dimension of places. *Psychological Reports*, 91, 1177-1182.
- Hummon, D.M. (1992). Community attachment: Local sentiment and sense of place. New York: Plenum Press.
- Jorgensen, B.S., & Stedman, R.C. (2001). Sense of place as an attitude: Lakeshore owners attitudes toward their properties. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 233-248.
- Kyle, G.T., Mowen, A.J., & Tarrant, M. (2004). Linking place preferences with place meaning: An examination of the relationship between place motivation and place attachment. *Journal of Environmental Psychology*, 24, 439-454.
- Kyle, G., Graefe, A., Manning, R., & Bacon, J. (2004). Effect of activity involvement and place attachment on recreationists' perceptions of setting density. *Journal of Leisure Research*, 36, 209-231.
- Kyle, G., Graefe, A., & Manning, R. (2005). Testing the dimensionality of place attachment in recreational settings. *Environment and Behavior*, 37, 153-177.
- Lewicka, M. (2009). What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 35-51.

- Low, S.M., & Altman, I. (1992). Place attachment: A conceptual inquiry. *Human Behavior and Environment: Advances in Theory and Research*, 12, 1-12.
- Milligan, M.J. (1998). Interactional past and potential: The social construction of place attachment. *Symbolic Interaction*, 21, 1-33.
- Proshansky, H.M., Fabian, A.K., & Kaminoff, R. (1983). Place-identity: Physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*, 3, 57-83.
- Raymond, C.M., Brown, G., & Weber, D. (2010). The measurement of place attachment: Personal, community and environmental connections. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 422-434.
- Relph, E.C. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion.
- Scannell, L. (2008). Natural and civic place attachment and the relation to pro-environmental behavior in Trail and Nelson, British Columbia. MSc. Thesis, University of British Columbia.
- Shamsuddin, S., & Ujang, N. (2008). Making places: The role of attachment in creating the sense of place for traditional streets in Malaysia. *Habitat International*, 32, 399-409.
- Tuan, Y.F. (1974). *Topophilia: A study of environmental perception, attitudes, and values*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall.
- Tuan, Y.F. (1980). Rootedness versus sense of place. *Landscape*, 24, 3-8.